

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

دانشگاه فرهنگیان امام خمینی (ره) سلماس

درس: نظام تربیتی اسلام

مدرس: رقیه سلطان بیگی

جلسه هشتم: تشویق و تنبیه شاگرد

تشویق و تنبیه شاگرد

معلمان در برخورد با شاگرد از دو روش تشویق و تنبیه استفاده می‌کردند. در این راستا یک معلم باید همه جوانب را در هر دو اقدام خود نسبت با شاگردان در نظر بگیرد.

شلبی در خصوص تشویق و تنبیه از ابن سحنون نقل می‌کند که: ابن سحنون به جای کیفر و پاداش واژه «تادیب» را به کار می‌برد. پیداست که هدف از تنبیه و کیفر، فرونشاندن حس انتقام نیست، همان گونه که تشویق و پاداش در شکوفایی و راهبرد شاگرد به تکاپو و کوشش برای یادگیری نقش آفرین است، کیفر به جا نیز اثر چشمگیری در تربیت، آگاهانیدن و به خود آمدن او بر جا می‌گذارد.

همه علماء تعلیم و تربیت اسلامی، نخستین و کاراترین عامل تربیتی را عبارت از لطف و محبت می‌دانند. به همه‌ی مسلمانان و اساتید توصیه می‌کند که باید بدور از خشونت با عامل محبت، تخلفهای شاگردان را نظاره کرد و مانع از تکرار آن گردند و از صراحت به تخلف و اعمال خشونت تا جائیکه عامل محبت مؤثر واقع می‌شود، خودداری کنند و بالاخره حتی الامکان در احترام به شخصیت شاگرد، کوشا باشد. برای پیشگیری از سوء رفتار شاگردان و جلوگیری از ارتکاب خلاف، لازم است معلم با ایماء و اشاره و تعریض و کنایه، راه گشای تربیت اخلاقی شاگردان بوده و از تخلف آنها جلوگیری کند در صورتی که ضرورت ایجاب نکند باید از آشکار گوئی و تصریح به تخلف شاگردان، خودداری نماید و همواره از عامل لطف و محبت و مهر و مودت برای ارشاد شاگردان استفاده کند و آن را به خاطر تخلف و سوء رفتار توبیخ نکند چون تصریح و آشکارگوئی، پرده هیبت و ابهت استاد را از بین می‌برد و موجب جرات و جسارت شاگردان در ارتکاب خلاف می‌گردد و حتی باعث می‌شود که با حرص و ولع در تخلف‌های اخلاقی، اصرار ورزد.

معلم آگاه برای متنبه ساختن شاگردش به خطای خود مراحل مختلفی را مد نظر قرار می دهد. بعضی خطاها آنقدر بزرگ نیست که برای آن تنبیه شدیدی در نظر گرفته شود. معلم واقعی و منصف کسی است که در اعمال تنبیه تناسب و عدالت را به طور دقیق اجرا کند و اینجاست که ابتکار مربی آشکار می شود. معلم می تواند راه های مختلفی را در راهنمایی و تنبیه محصل خویش انتخاب نماید. او می تواند در مرحله ای که خطای محصل کوچک است خطا را در سر کلاس و یا برای جمع دانش آموز در سر صف طرح کند بدون آنکه از خطاکار نام ببرد. در صورتی که دانش آموز نافرمانی کرده است خطای او کوچک نیست می توان او را خواست و خطایش را به صورت فردی مطرح کرد و در صورتی نیز که خطای او بزرگتر بود علاوه بر تذکر فردی، می توان او را از برخی کارها محروم کرد و در مرحله ای که خطای نوجوان بزرگ است می توان از قهر و قطع رابطه او را متنبه ساخت که در واقع باید متناسب باشد.

روزی شخصی نزد امام هفتم رفته و راجع به کودک خود شکایت کرد امام فرمودند : با او قهر کن ولی طول مده و زود آشتی کن.

علاوه بر تنبیه، برای اینکه بتوان در کلاس درس شور و شوق و اشتیاق دانش آموز را برای کسب علم بالا برد باید از تشویق نیز بهره برد.

تشویق، نیروها و استعدادهای محصل را به کار می اندازد و استقامت او را در کارها زیاد می کند اما باید متوجه بود که در تشویق نباید مبالغه و افراط کرد تا رنگ تملق به خود گیرد یا کودک و دانش آموز احساس کند که می خواهند او را با این کار بفریبند و یا به او رشوه دهند. تشویق باید به حد طبیعی و متناسب باشد تا هم حسن تئید طلبی محصل ارضا گردد و هم به طور طبیعی اثر و ارزش کار کودک محفوظ بماند.

در قرآن هم تشویق و تبشیر و هم تخویف و تهدید سفارش شده است و نمونه آن در آیه (۲۵) سوره بقره آمده است که خداوند متعال فرموده اند : «وَبَشِّرِ الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ أَنَّ لَهُمْ - جَنَّاتٍ تَجْرِي مِنْ تَحْتِهَا الْأَنْهَارُ».

شاگرد از مهمترین موقعیت و ارزش و احترام و محبت در برابر معلم و استاد از دیدگاه تعلیم و تربیت اسلامی برخوردار است. معلم و استاد باید خود از مراحل رسائی در ایمان برخوردار باشد و ناظر بر اعمال خود بوده تا بتواند الگوی شایسته ای برای شاگرد خود باشد و به درون شاگرد، راه یافته تا شوق و اشتیاق او را به علم و دانش برانگیخته و در درونش رغبت و تمایل به تحصیل را بیدار سازد.

آداب شاگرد در مقابل معلم

شاگرد و متعلم در قبال معلم خود آداب و وظایفی دارد که در جهت کسب علم و دانش ضروری به نظر می رسد. یک شاگرد باید نیک روش و خوش منش باشد، به استادش احترام بگذارد و به او ارج نهد. به هنگام راه رفتن با هم، از او پیش نگیرد؛ بی اجازه او لب به سخن نگشاید، در گزینش معلم، شتاب نکند زیرا در گزینش شخصیت کسی که درس می دهد به همان اندازه می بایست دقیق بود که در گزینش دانش. شاگرد باید در کار دانش عالی همت و بلند پرواز باشد و به اندک بسنده نکند و کار یادگیری را برای آینده نگذارد و در برابر مشکلات و موانع تحصیل علم تسلیم نشود. او باید به تحصیل دانش حریص باشد و همه ی وقت خود را، چه شب و چه روز، صرف این کار کند و از نشست و برخاست با کسانی که او را از کسب دانش باز می دارند دوری گزیند و این کار از مهمترین وظایف شاگرد است.

شهید ثانی در باب آداب متعلم، همانند آداب مخصوص به استاد، آن را به سه قسم منقسم کرده است، که عبارتند از: آداب خودش فی نفسه، آداب با استاد و آداب در مجلس درسش.

مهمترین این آداب بدین شرح است که: نیتش را پاک کند و قلبش را از بدی تهی سازد و تحصیل را در ایام جوانی و نشاط و قوت بدن و سلامتی حواس غنیمت شمارد و موانع تحصیل را رفع سازد و از هر چیزی که باعث عدم کسب علم و دانش می شود، دوری گزیند.

از آداب دیگر متعلم این است که حرمت و احترام استاد خود را داشته باشد. و او را به بزرگی و تعظیم خطاب کند. همیشه در برابر استاد خود تواضع و خشوع داشته باشد. در سخن گفتن از استاد خود سبقت نگیرد.

بنابراین به طور کلی می‌توان آداب و وظایف ویژه شاگرد نسبت به معلم و استاد خود را در چهل مورد یاد کرد:

- ۱- ضرورت کاوش و جستجو از استاد و معلم لایق و شایسته .
- ۲- باید استاد را به عنوان پدر واقعی و روحانی تلقی نمود.
- ۳- استاد را باید به عنوان پزشک معالج جان و روان برشمرد.
- ۴- ازج نهادن به استاد و تجلیل از مقام علوم دانش.
- ۵- تواضع و فروتنی در برابر استاد.
- ۶- لزوم ترجیح رأی و نظریه استاد بر رأی و نظریه خود.
- ۷- باید از استاد به احترام یاد کرد.
- ۸- حق شناسی از استاد و سرمشق گرفتن از او.
- ۹- سپاسگزاری از ارشاد و هشدارهای استاد
- ۱۰- تحمل جور و تندیهای استاد
- ۱۱- باید در انتظار استاد و شرفیابی از محضر او بسر برد.
- ۱۲- رعایت ادب و نزاکت برای ورود به مجلس خصوصی استاد.
- ۱۳- آراستن و پیراستن برون، و آمادگی درون به هنگام رود بر استاد.
- ۱۴- آمادگی روحی و ذهنی شاگرد برای درس.
- ۱۵- عدم ایجاد مزاحمت برای اشتغالات استاد.

- ۱۶- نباید شاگرد مانع استراحت استاد گردد.
- ۱۷- وقت تدریس را نباید بر استاد تحمیل نمود.
- ۱۸- تنظیم کیفیت جلوس شاگرد در محضر استاد.
- ۱۹- تعیین جهت جلوس.
- ۲۰- شاگرد باید مراقب حرکات و رفتار و حالات خود در محضر استاد باشد.
- ۲۱- تنظیم صدا و مواظبت از رفتار و گفتار در پیشگاه استاد.
- ۲۲- رعایت لطف بیان هنگام گفتگوی با استاد.
- ۲۳- جبران و تدارک کمبودهای سخن استاد با اشارت لطیف.
- ۲۴- رعایت ادب و نزاکت در خطاب به استاد.
- ۲۵- نادیده گرفتن سبق لسان و لغزش زبان استاد.
- ۲۶- پیشدستی نکردن شاگرد به پاسخ پرسش ها در محضر استاد.
- ۲۷- لزوم تمرکز حواس و استماع دقیق به سخنان استاد.
- ۲۸- ارج نهادن به توضیحات استاد.
- ۲۹- عدم تکرار سوال های فرساینده و تلف کننده فرصت.
- ۳۰- سوال به موقع شاگرد.

۳۱- دلنشین بودن سوال شاگرد.

۳۲- نباید از سوال و پرسش به خاطر شرم و حیاء دریغ ورزید.

۳۳- شهادت شاگرد در اعتراف به عدم درک مطلب علمی.

۳۴- ایجاد آمادگی برای سرعت انتقال در فهم سخن استاد.

۳۵- رعایت نزاکت و ادب در اخذ و عطاء.

۳۶- رعایت نکته های باریکتر از مو، در ارج نهادن به مقام استاد.

۳۷- حفظ حریم استاد به هنگام جلوس اقامه نماز.

۳۸- کوشش های بی دریغ شاگرد نسبت به استاد.

۳۹- بی بند و بار نبودن شاگرد از لحاظ جلوس در محضر استاد.

۴۰- باید حرکت و راه رفتن در معیت استاد، نمایانگر احترام و محبت به او باشد.

بهره‌مندی محدود مردم عرب از برخی از دانشها، مانند تبار شناسی و ایام العرب و اطلاعات پراکنده آنها، چندان نبود که در این زمینه آثار مکتوب پدید آورند. با آمدن اسلام و نزول قرآن، تفسیر آیات قرآن و دسته بندی احادیث و دلبستگی و توجه کامل مسلمانان به این دو منبع اصلی دین؛ برخی از علوم از دل قرآن و حدیث نشأت گرفت که نام کلی علوم اسلامی بر آنها اطلاق شد.

با گسترش اسلام، دانشهای دیگری بر اثر تعاملات فرهنگی، در حوزه اسلامی وارد شد به عنوان نمونه می‌توان گسترش علوم لغوی را در مدینه به دلیل حضور اصحاب و تابعین که در علم حدیث ممتاز بودند، را بیان کرد. بصره و کوفه نیز به دلیل حضور ایرانیان مسلمان و نیاز آنها به یادگیری زبان عربی، در علوم ادبی و لغوی پیشرفت داشت و بغداد در عصر اول عباسی در اثر نهضت ترجمه در علوم دخیل شهرت یافته بود. در مصر در قرن دوم به دلیل حضور محمد بن ادریس شافعی در آنجا، مرکز فقه شافعی شد. تا قرن دوم هجری، مهم‌ترین مواد درسی عبارت بودند از فقه، حدیث، تفسیر و علوم ادبی. از این قرن به بعد پس از ترجمه کتب علمی و فلسفی یونان، ایران و شبه قاره هند، بازار اندیشه‌های فلسفی، منطقی، کلامی، عرفانی، پزشکی و ریاضی رواج یافت.



با تشکر از صبر و حوصله شما